



معرفی‌های گزارشی

◀ کلیات

◊ المرأة في مرآة الجلال والجمال

آیت‌الله عبداللّه الجوادی الآملی، المترجم: خلیل عصامی، المحقق: محمد عبدالمنعم الخاقانی، دارالأسرا للنشر، قم، ۱۴۲۸، ۵۸۶ ص.

کتاب زن در آینه جمال و جلال نوشته آیت‌الله جوادى آملی با تحقیق محمد عبدالمنعم خاقانی و کوشش خلیل عصامی به عربی بازگردان شد.

این کتاب که برای نخستین بار در سال ۱۳۷۰ به فارسی منتشر و تاکنون هجده بار تجدید چاپ شده است به بررسی این حقیقت و تحلیل این واقعیت می‌پردازد که انقلاب شکوهمند اسلامی ایران که هزارها تجربه را در درون خود نهفته دارد، حرکت زنان و نهضت مؤثر آنها در میدان‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علمی را به عنوان یکی از بهترین شاخص‌های انقلاب عظیم اسلامی ما اعلام داشته و مسیر تعالی و شکوفایی جامعه را در پرتو حرکت خردمندانه و سیر هوشیارانه زنان جامعه اسلامی معرفی می‌کند. لیکن باید از این تجربه بهره گرفته ضمن حفظ و ترمیم، آن را بالنده نگه داشت.

کتاب حاضر مجموعه درس‌هایی است که استاد مؤلف در مرکز دینی و فرهنگی جامعه الزهراء قم در بین دانش‌پژوهان آن مرکز داشته و مورد مطالعه و مذاقه قرار داده شده است، مطالب این کتاب ارزشمند را می‌توان به پنج بخش تقسیم کرد؛ بخش اول مقدمه‌ای مبسوط، عقلی و استوار است که دربرگیرنده‌ی اساس و اصول حاکم در این کتاب بوده و نقش راهنمای این مجموعه را به عهده دارد.

بخش دوم شناسایی و معرفی زن در کتاب الهی قرآن مجید است. گرچه در آغاز آن بیان شده که منظور بررسی این حقیقت از دیدگاه قرآن و عترت است. موضوعاتی چون حقیقت انسان، کمال انسان، عدم تأثیر ذکورت و انوئت در دستیابی به ارزش‌ها، ملائک جلوه‌ای از روح، زنان بافضیلت در قرآن در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش سوم که باعنوان زن در عرفان است، بررسی شخصیت زن از دیدگاه عرفان ناب اسلامی و عرفایی که در دامان اسلام پرورش یافته و سخنانی باریافته از قرآن و وحی دارند می‌باشند. عناوین آمده در این بخش، معیار سلوک، انسان و مقام

خلافت، مهر و قهر، نمونه‌هایی از زنان عارف و زن در نگاه عارفان نام دارد.

در بخش چهارم هویت زن از دیدگاه برهان توسط عقل پیوسته با وحی و نه گسسته از آن تشریح می‌شود. در پاره‌ای از این بخش باعنوان سر تفاوت مرد و زن می‌خوانیم: «بررسی وظایف مشترک زن و مرد نشان خواهد داد که خطوط جامع تعلیم و تزکیه که مهم‌ترین رسالت انبیا است، در آنها حضور دارد و نیز بررسی وظایف خاص هر یک از دو صنف مزبور نشان خواهد داد که وظایف اختصاصی هر یک به منزله شرح همان جامع و مشترک است و هرگز مابین آن نیست؛ پس اگر برخی از اوصاف، مانند عاطفه در زن جلوه بیشتری دارد، نه مابین با تجرد روح او، نه منافی با هدف مشترک و نه موجب کاهش جنبه عقلی و عملی اوست.»

زن و تصدی امور اجرایی، زن و استقلال یا وابستگی زن و مدیریت خانواده، نقص عقل و دین زنان، زن و دپه متفاوت، حجاب؛ حق الهی، نماز قضای پدر و مادر و انتساب سیادت از جمله شبهات مطرح شده در فصل پایانی این کتاب است.

کتاب زن در آینه جلال و جمال در جهت

احیاء و ترویج این تفکر ناب و اصیل اسلامی است؛ شناخت و تحقق چنین تفکری، زمینه هر نوع انحراف و تحریف را، چه در معرفی مقام و منزلت زن و چه در جایگاه استفاده ایزاری و تبلیغاتی از او متفی می سازد.

بازگردان عربی کتاب زن در آینه جمال و جلال نوشته آیت الله عبدالله جوادی آملی با تحقیق محمد عبدالمنعم خاقانی و کوشش خلیل عصامی برای نخستین بار در سال جاری در ۵۸۶ صفحه و با شمارگان دو هزار نسخه از سوی انتشارات اسرا منتشر شده است.

◊ عالم برزخ در چند قدمی ما

تألیف محمد مهدی اشتهازی، انتشارات نبوی، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵، ۲۳۵ ص.

این کتاب در یک مقدمه و پنج فصل تنظیم شده است. فصل اول به سختی های آستانه عالم برزخ و لحظات سخت مرگ اختصاص یافته است. این فصل در ۳۴ عنوان به بیان لحظات آخر عمر پرداخته است. فصل دوم به معنی برزخ و دورنمایی از آن از دیدگاه قرآن و روایات پرداخته است. فصل سوم به بررسی ویژگی های عالم برزخ اختصاص دارد.

فصل چهارم به بررسی برزخ در روایات اسلامی پرداخته است؛ این فصل کوتاه ترین فصل کتاب است که در ده صفحه تنظیم شده است. فصل پنجم در ۳۷ عنوان به بیان حالاتی از جهان برزخ پرداخته است و سپس به هفت نمود از جلوه های عالم برزخ پرداخته است. این فصل طولانی ترین بخش کتاب است.

آنچه اثر فوق را جذاب و خواندنی کرده و به چاپ سیزدهم رسانده است، بیان داستان ها و ماجراهای متعدد در لابلای مطالب است. در بخشی از کتاب چنین آمده است: «نظر به اینکه درباره عالم برزخ کتابی عمومی و همگانی و خلاصه و

روان در دسترس نبود و نظر به اینکه اعتقاد و توجه به چنین عالمی قطعاً اهمی در بازدارنده خواهد بود و نقش به سزایی در تربیت و کنترل و انضباط دینی ما خواهد داشت، به نگارش این کتاب اقدام گردید. این کتاب در حقیقت منشأ گرفته از آیات قرآنی و روایات چهارده معصوم علیهم السلام و گفتار محققان اسلام و داستان های مذهبی و حقیقی است؛ بنابراین باید از آن بهره جست و با آینده نگری دقیق در پرتو گفتار نورانی قرآنی و پیامبر (ص) و ائمه علیهم السلام خود را صاحب باغی از باغ های بهشت برزخی نمود، نه گرفتار گردال های سوزان».

نویسنده در ادامه، هدف از نگارش این کتاب را تقویت اعتقادات مذهبی و مراقبت از پاکسازی و بهسازی در پرتو آن دانسته است. در خصوص عالم برزخ چنین آمده است: «عالم برزخ در مقایسه با قیامت، قیامت صغری است که در چند قدمی ما [است] و گاهی بین ما و آن، تنها یک دقیقه فاصله است».

◀ فقه و حقوق

◊ حقوق فرزند بر والدین از دیدگاه اسلام

تألیف محمدرضا حاج شریفی خوانساری، انتشارات بنی الزهراء، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۳۵۹ ص.

۲۵ صفحه اثر فوق به بیان مقدمه، پیشگفتار، سرآغاز، زوجیت و خلقت و ازدواج آدم و حوا اختصاص یافته است و سپس کتاب در ۵ بخش تنظیم شده است. بخش اول به حقوق قبل از ولادت اختصاص یافته که کوتاه ترین بخش کتاب است. بخش دوم به حقوق دوران نوزادی و بخش سوم به حقوق دوران کودکی و بخش چهارم به حقوق دوران نوجوانی اختصاص یافته است. در بخش پنجم نیز کتاب به

حقوق دوران جوانی پرداخته است. منابع اثر بیانگر آن است که مؤلف در تألیف آن از ۸۲ اثر بهره گرفته است. آنچه در اثر فوق عمدتاً پرداخته شده، حقوق فرزند بر والدین از نگاه اسلام است؛ هرچند در مواردی دیدگاه صاحب نظران غربی تعلیم و تربیت نیز مورد استناد قرار گرفته است. بخش پایانی کتاب به بحث نصیحت به فرزند اختصاص دارد که در آن بخش هایی از وصایای حضرت علی (ع) به حضرت امام حسن (ع) وارد شده است. به نظر می رسد این بخش یکی از طولانی ترین بخش های کتاب است. هرچند بخش هایی مختلف کتاب با بهره گیری از منابع مختلف به بررسی نسبتاً کامل موضوعات پرداخته است، اما اینکه حقوق فرزند بر والدین صرفاً تا زمان ازدواج مورد بررسی قرار گرفته است، اندکی قابل تأمل است؛ در صورتی که به ویژه در دین مبین اسلام، هم فرزندان بر والدین و هم والدین بر فرزندان حقوقی دارند که تا پایان عمر ادامه دارد و در هیچ زمانی از حیات، این حقوق پایان نمی پذیرد.

◀ ادبیات

◊ روضة الانوار

خواجوی کرمانی، مقدمه تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، چاپ اول، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۷ ش.

خواجوی کرمانی را یکی از بزرگ ترین غزل سرایان قرن هشتم (این دوره سرنوشت ساز تاریخ غزل و شعر غنایی) می شناسند. او و سلمان ساوجی - که حوزه شعر خاندان جلایر در بغداد را ملک الشعرا می کردند - به عنوان بزرگان شعر غنایی و نیز مدیحه (بیشتر در مورد سلمان) نامبردار گشته اند و پس از ایشان علمداری به حافظ رسیده است. حق آن

است که خواجو در حوزه غزل از پیروان موفق سعدی است که نوآوری‌های چشمگیری کرده و شعر حافظ «طرز سخن» وی را دارد. اما او به جز غزل، قصیده، مثنوی و رسائل مشهور هم از خود به جا گذارده که بررسی دقیق همه آنها امری است که به روشن شدن وضعیت شعر عصر آل اینجو و آل مظفر در شیراز و کرمان کمک شایانی می‌کند و حتی به نحوه ارتباط جریان‌های شعری دیگر در قرن هشتم مدد می‌رساند.

دیوان غزلیات و قصاید و دیگر اشعار وی (به غیر از مثنوی‌ها) را در سالیانی دور مرحوم احمد سهیلی خوانساری، کتابدار سرشناس و شاعر معاصر از روی بهترین نسخه‌های اثر (که اساس آن همانا نسخه بسیار کهن سال کتابخانه ملک بود که وی کتابدار و مسئول خرید آنجا به شمار می‌رفت) تصحیح و منتشر کرد. از مثنوی‌های وی چاپ‌های متعدد و غیر منقحی در دست است که باید به این موارد اشاره کرد: سام‌نامه چاپ هند (که اخیراً از سوی انتشارات «دنیای کتاب» با حروفچینی جدید و به شکلی بازاری منتشر شده است)؛ همای و همایون چاپ لاهور در ۱۲۸۹ ق، چاپ بمبئی و چاپ منقح کمال عینی (بنیاد فرهنگ و افست آن از سوی پژوهشگاه علوم انسانی)؛ گل و نوروز چاپ منقح کمال عینی (دو چاپ مانند مورد قبلی)؛ روضه الانوار چاپ حسین گوهری کرمانی در ۱۳۰۶ ش در تهران و یک چاپ عکسی از روی نسخه کتابت شده به خط عبرت مصاحبی نائینی - شاعر، ادیب و کاتب فاضل اواخر عصر قاجار و اوایل پهلوی که برای امرار معاش دستنویس‌های ادبی را استنساخ می‌کرد، ولی ارزش نسخه‌های خط‌وی چیرزی بیشتر از یک نسخه عصر قاجاری نیست که بعضاً شاید از آفت نوشته شدن به دست

«کاتبی فاضل» (که خطر آن برای کتابت به نظر برخی بیشتر از خطر کاتب بی سواد / کم سواد است) نیز صدمه دیده؛ و دو مثنوی دیگر وی یعنی کمال‌نامه و گوهر نامه برای نخستین بار به همراه سه مثنوی «روضه الانوار»، «همای و همایون» و «گل و نوروز» در یک مجلد و با نام خمسه خواجوی کرمانی و به تصحیح سعید نیاز کرمانی و همت دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال ۱۳۷۰ ش منتشر شد که با چند نسخه از جمله همان نسخه ارزشمند کتابخانه ملک مقابله شده بود.

اما کار بر روی آثار خواجوی کرمانی در قیاس با شاعر پرآوازه شیراز قرن هشتم، خواجه حافظ در مرحله‌ای ابتدایی قرار دارد و به حق شایسته است که حداقل برای یک بار هم که شده به آثار وی با دیده موشکافانه نگریست و در تصحیح آنها، حوصله‌ای عالمانه به خرج داد، کاری که اینک در مورد روضه الانوار انجام شده است.

دکتر محمود عابدی مصحح سومین یا به عبارتی چهارمین چاپ این مثنوی خواجو - که در اکتفای مخزن الاسرار نظامی گنجینه‌ای سروده شده و دومین مثنوی معروف پیرو مخزن شمرده می‌شود - در کارنامه خود تصحیحات ارزشمند و درخشانی دارد که از برجسته‌ترین آنها می‌توان به نفعات الانس جامی، کشف المحجوب هجویری، کلمات علیه غرّاً از مکتبی شیرازی، خردنمای جان افروز از مستوفی، مطلوب کلّ طالب از رشید و طواط و ترجمه فرمان مالک اشتر از نخجوانی اشاره کرد.

وی در مقدمه تصحیحات خود به بررسی دقیق احوال مؤلف و آنچه به شناسایی اثر کمک می‌کند می‌پردازد و پس از بیان پیشینه کارهای محققان قبلی نسخه‌های مورد استفاده خود در تصحیح را برمی‌شمرد و روش تصحیحش را بیان می‌کند.

متن‌هایی که از زیر دست وی می‌گذرد، به دقت بررسی شده و می‌توان اطمینان داشت که استادی متن شناس آنها را تنقیح کرده است. وی به ضبط جزء به جزء نسخه بدلها، پایبند است و در پایان تعلیقاتی مفید و بجا در توضیح موارد نیازمند روشنگری می‌آورد.

روضه الانوار نیز به سبک تصحیحات گذشته استاد عابدی چنین است. در مقدمه اثر با این بخش‌ها روبه‌رو هستیم: خواجوی کرمانی [که کلیاتی در احوال شاعر است]؛ ممدوحان خواجو [در حدّی که به اثر مورد بحث مرتبط است شامل] شمس‌الدین محمود صابین سمنانی، تاج‌الدین احمد عراقی، ابواسحاق کازرونی و امین‌الدین بلیانی؛ آثار خواجو که شامل این موارد است: دیوان، قصاید خواجو، غزلیات خواجو، مثنوی‌های خواجو، رسائل خواجو [که استاد عابدی آنها را تصحیح و آماده نشر کرده است]؛ روضه الانوار، موقعیت تاریخی و اجتماعی نظامی و خواجو، مخزن الاسرار و روضه الانوار، چاپ‌های روضه الانوار؛ در پایان نسخه‌هایی که در این تصحیح از آنها استفاده شده به این ترتیب معرفی شده است: نسخه شماره ۵۹۸۰ کتابخانه ملک مورخ ۷۵۰ ق، نسخه شماره ۵۹۶۳ همان جا مورخ ۸۲۹ ق در دار السلطنه هرات، نسخه شماره ۱۲۱۴۹ کتابخانه سلطنتی (کاخ گلستان فعلی) مورخ ۸۲۴ ق، نسخه شماره ۳۵۲ مجلس سنا (شماره ۲) مورخ ۸۲۰ ق (که نسخه‌ای ارزشمند است و بخشی دیگر از آن شامل گزیده‌ای کم نسخه است از آثار خواجو به نام مفاتیح القلوب و مصابیح الغیوب که خود وی در ۷۴۷ ق آن را به نام امیر مظفری گزینش کرده است) و نسخه دیگر کتابخانه ملک به شماره ۴۹۲۵ مورخ ۸۴۲ ق. انتخاب این

نسخه‌ها برای تصحیح به ترتیب قدمت محض نبوده، بلکه بر اساس مضبوط‌ترین‌ها بوده و به اصطلاح «اصح» دستنویس انتخاب شده‌اند.

متن روضه الانوار که ۲۰ مقاله و ۲۰۳۷ بیت دارد در حدود ۱۲۰ از این کتاب را گرفته و از آن پس تعلیقات و توضیحات مصحح آمده است (ص ۱۲۳ - ۲۷۲). به نوشته خود ایشان تعلیقات این اثر به این موارد می‌پردازد: «در بخش تعلیقات و توضیحات کتاب کوشش بر آن بوده است که دشواری‌های متن تا حد امکان برای خواننده‌ای جوان و علاقه‌مند آسان گردد، در عین حال به چند نکته دیگر توجه و تأکید داشته‌ایم: الف) پیوند روضه الانوار و مخزن الاسرار در لفظ و معنی روشن تر شود. ب) پیشینه بعضی از تعابیر در شعر سعدی و نظامی و دیگر گویندگان نشان داده شود. ج) با توضیحی در باب معانی دوگانه کلمات ابهام ساز، حضور آنها در شعر دیگران به خصوص حافظ معلوم می‌گردد».

نمایه‌های ده گانه‌ای پس از این بخش (ص ۲۷۳ - ۳۴۳) استفاده از سواند مختلف آن را برای علاقه‌مندان آسان تر کرده است. منابع و مأخذ مورد استفاده مصحح نیز بر اساس نام کتاب‌ها در پایان کتاب چپ‌نویس یافته است.

◇ دیوان سعید نقشبندی یزدی

به کوشش رضیه رضائی تفتی، تریپا، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶ ش؛ سلسله متون و تحقیقات زیر نظر ایرج افشار: ۴۶ (فرهنگ ایران زمین)، گنجینه حسین بشارت در فرهنگ و تاریخ یزد: ۱۶، ۴۱۲، ص ۰ سی و سه (مقدمه).

«این خوش غزل به جذب سعیدای نقشبند / صائب ز بحر دل به انامل رسیده است»؛ بیت آخر غزلی است که صائب تبریزی برای شاعر همروزگارش سعید / سعیدای

نقشبند فرستاده و سعیدای نیز در پاسخ وی غزلی دارد که در دیوان حاضر موجود است. سعیدای شاعری یزدی است از عهد صفوی که یقیناً تا ۱۰۹۲ ق زنده بوده، زیرا در قصیده‌ای نعتی به «هزار و هشت کم از صد» اشاره کرده است. مصحح دیوان در مورد لقب «نقشبند» نظر تذکره نویسان را که گفته‌اند وی به نقشبندی اشتغال داشته پذیرفته و علت احتمالی آن را پیروی شاعر از طریقه نقشبندی دانسته است. اما این برخلاف نظر تذکره نویس معاصر شاعر، نصرآبادی است که نوشته: «سعیدای یزدی ... در فن نقشبندی مهارت حاصل نموده، در فن شعر هم گاهی نقشی بر صفحه می‌بست». باری به گواهی جامع مفیدی (تصحیح استاد ایرج افشار) وی از کدخدایان معتبر یزد است که در عهد شاه سلیمان صفوی (حکومت ۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ ق) به اصفهان کوچید و سال‌ها در آنجا زیست.

سبکی که شعر سعیدای در زمره آن قرار می‌گیرد همان سبک اصفهانی است، با علم به اینکه وی از خوانندگان اشعار سنائی، نظامی، عطار، جامی و از همه بیشتر حافظ هم بوده است (رک: مقدمه مصحح). وی خود گفته «در عالم غیب باز فکر / پیوسته پی شکار معنی است» که این شکار مضامین و بن‌مایه‌های ناب و بکر از آمال شاعران این سبک است.

دیوان حاضر شامل حدود ۵۰۰ بیت است که از ۵۸۸ غزل و دو غزل ویژه، ۱۱ قصیده، یک مثنوی ۱۰۱ بیته، ۳ قطعه کوتاه، ۱۴۷ رباعی و ۲۰ تک‌بیت (همگی آنها را نباید فرد به شمار آورد) تشکیل شده است. دیوان حاضر از روی سه نسخه مجلس شماره ۲ (سنای سابق) (نسخه اساس)، مجلس شورای اسلامی و کتابخانه ملک (برگزیده دیوان) تصحیح شده است که نمونه تصاویر آنها در پایان مقدمه آمده

است. مصحح در ابتدای هر شعر به اینکه شعر مزبور در کدام یک از نسخه‌ها موجود است، داخل هلال اشاره کرده و اختلاف ضبطها را در پای صفحات آورده است.

در مقدمه مصحح پس از پرداختن به زندگی شاعر و نوشته‌های تذکره نویسان درباره سعید / سعیدای این مباحث مطرح شده است: مذهب سعیدای، سبک شعر، سعیدای و حافظ، سعیدای و صائب، تباخر در شعر سعیدای، تجلی عرفان در دیوان سعیدای، معرفی نسخه‌ها و شیوه کار. در پایان دیوان نیز نمایه نام اشخاص، نمایه نام گشورها، شهرها، مکان‌ها و کتاب‌ها، فرهنگ ترکیبات و تعبیرات (از ص ۳۲۸ - ۳۹۳)، فهرست اشعار به ترتیب الفبای مطلع و سپس فهرست منابع و مأخذ (۲۴ منبع) قرار دارد.

دیوان این شاعر یزدی در زمره یکی از آثار سلسله‌ای مهم و ارزشمند در حوزه یزدشناسی - که آقای حسین بشارت آن را پشتیبانی می‌کند و نیز به عنوان چهل و ششمین پژوهش از سلسله متون و تحقیقات که استاد یزدی الاصل، استاد ایرج افشار سرپرست آن است - منتشر شده است. گفتنی است از آثار یزدشناسی مجموعه بشارت می‌توان به تذکره شعرای یزد از عباس فتوحی، واژه‌نامه یزدی، تذکره میکده از محمد علی وامق، یزد در اسناد امین الضرب، خاطرات سازده حمام و منظومات شرف الدین علی یزدی (به کوشش ایرج افشار)، اشاره کرد. اثری دیگر از این مجموعه را به نام «منشآت شرف الدین علی یزدی» باید چشم انتظار بود.

◇ لغات و ضرب‌المثل‌های کاشانی

حسن عاطفی، به کوشش الهشین عاطفی، چاپ اول، مرسل، کاشان، ۱۳۸۶، ۱۴۴ ص. این اثر تلاشی است در حفظ فرهنگ گویشی کاشان، شهری در مرکز ایران که به کوشش ادیب و محقق از همان دیار

گردآوری و تدوین شده است. استاد حسن عاطفی نوه آیه الله محمد غروی (م ۵ آذر ۱۳۵۷ ش) از تحصیل کردگان دانشسرای عالی تهران در رشته ادبیات فارسی در دهه چهل خورشیدی است که عمده فعالیت علمی اش را تصحیح متون ادبی بزرگان کاشان تشکیل داده است. وی که در سال‌های بسیار دور یکی از اعضای انجمن ادبی صبا در کاشان بود، دواوینی چون دیوان بابا افضل مرقی کاشانی (با همکاری مصطفی فیضی و عباس بهنیا)، دیوان مخلص کاشانی، دیوان علی شاه کاشانی، دیوان سنجر کاشانی و ... را تصحیح و منتشر کرده است. دفتر شعری نیز از وی به نام ترانه زندگی چاپ شده است. از تحقیقات دیگر وی در حوزه تصحیح متون کهن به تصحیح رساله بسیار ارزشمند مناظره گل و مل از ترمذی اشاره بایست کرد که سال‌ها قبل دو بار منتشر شده بود و اخیراً نیز با اصلاحات و مقابله با نسخه‌های دیگری آماده نشر است؛ نیز تصحیح و رزنام، متنی فارسی از سده ششم یا قبل از آن در موضوع فلاحت و کشاورزی که مرکز نشر دانشگاهی آن را منتشر خواهد کرد؛ همچنین تصحیح رساله‌ای عرفانی به فارسی در دوازده مجلس که پیش از حمله مغول تألیف شده و نویسنده اش ناشناس است که این مورد اخیر نیز مراحل نهایی تصحیح را می‌گذراند.

در پژوهش حاضر که در حوزه زبان‌شناسی تاریخی و زبان عامه (فولکلور) قرار می‌گیرد، مؤلف نخست به گردآوری واژگانی دست زده است که به زعم خود آنها را خاص کاشان دانسته است. البته طبیعی است بسیاری از این واژگان در گویش‌های دیگری که با گویش کاشی در یک خانواده قرار دارند نیز به کار رود و در شهرهایی از جمله قم، همدان، اصفهان و

حتی مناطق شمال غرب - که دارای روستاهایی است که به زبان آذری قدیم تکلم می‌کنند - متداول باشد. در مقدمه این اثر اطلاعاتی درباره گویش زبان کاشی و تفاوت آن با لهجه کاشی، محدوده آن و نقل نمونه‌هایی بازمانده از این گویش (مثل شعر مذکور در خلاصه الاشعار تقی کاشی یا شعری از سید نصر الله قمری در تذکره یخچالیه) و نیز برخی قواعد استخراج شده در توصیف علمی این گویش - که نیاز به تکمیل دارد - آمده است. عجالتاً در این باره مقاله دکتر علی اشرف صادقی را در مجله ایران باستان به یاد می‌آورم در مورد بخش‌های بازمانده از کتاب الموازنة بین العربیة و الفارسیة اثر حمزة اصفهانی که واژگان چندی از گویش کاشانی را از سده چهارم ق در اختیار می‌گذارد. همچنین ابونصر فتح الله شیبانی در زبده الأثر خود، مقاله دوم، قصبه‌ای دارد به لهجه کاشانی. باری از صفحه ۱۶ - ۸۸ لغات و اصطلاحات و از صفحه ۸۹ - ۱۴۰ «ضرب المثل‌های کاشانی» آمده است که در بخش نخست البته کنایه و ترکیب‌های فعلی نیز دیده می‌شود. همچنین در بخش ضرب المثل‌ها، برخی از ضرب المثل‌های مشهور به چشم می‌خورد که تفاوت ضبط‌های آن با ضبط رایج فارسی معیار یا دیگر شهرها فقط تفاوت در تلفظ کاشی است. به هر روی تلاش حاضر را باید ارج نهاد، زیرا فردی به گردآوری آن دست زده که سالیان دراز دغدغه این نوع تحقیقات را داشته و خود با فضای شهر کاشان کاملاً آشناست. بدیهی است در بررسی‌های علمی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و نیز تحقیقات آکادمیک زبان‌شناسی تاریخی، این گونه مجموعه‌ها بسیار به کار می‌آید. امید است علاقه‌مندان این حوزه‌ها درباره گویش کاشی کهن که در برخی محله‌های آران و بیدگل هنوز بر

جا و مورد استفاده است، به بحث و بررسی بپردازد. گویشی که در کاشان به زبان دمی شهرت دارد (ص ۸ مقدمه).

◀ تاریخ و شرح حال

◊ سلمان فارسی

تألیف محمد رضا حاج شریفی خوانساری، انتشارات بنی الزهراء، چاپ اول، ۱۳۸۷، ۲۱۵ ص.

کتاب فوق دارای یک مقدمه و سه فصل است. فصل اول به مبحث زندگانی سلمان قبل از دیدار حضرت رسول اکرم (ص) از زمان تولد تا زمان ورود ایشان به شهر مدینه اختصاص دارد. در این فصل در خصوص نسب، لقب و محل تولد ایشان در ایران، هجرت ایشان از ایران به شام، نصیبین، عموریه و وادی القراء و ورود ایشان به مدینه سخن رفته است.

فصل دوم در خصوص زندگانی سلمان در زمان حضرت رسول اکرم (ص) است. در این فصل به مسائلی همچون ملاقات سلمان با حضرت رسول اکرم (ص)، اسلام آوردن ایشان، ازدواج، اخلاق، خدمات سلمان در زمان حضرت رسول (ص)، و وصیت حضرت رسول درباره سلمان پرداخته شده است.

فصل سوم در خصوص زندگانی سلمان پس از حضرت رسول اکرم (ص) است. در این فصل به اعتراض سلمان به خلافت خلیفه، بیعت اجباری حضرت علی (ع) و سلمان با خلیفه، سلمان نمازگزار فاطمه زهرا (ص)، دیدار سلمان از ابوذر در تبعیدگاه، آخر الزمان به نقل از سلمان خزان عمر سلمان، علی (ع) نمازگزار جنازه سلمان و مزار و زیارت سلمان سخن گفته شده است.

از ویژگی‌های مهم تحقیقی اثر آنکه: کلیه مطالب مورد بحث با ارجاع‌های دقیق در

پاورقی صفحات آمده است، ولی برخی از منابع پاورقی‌ها در بخش منابع پایانی، فراموش شده‌اند.

کاشان در مسیر تشیع

مصطفی صادقی، با اهتمام مؤسسه شیعه‌شناسی، انتشارات شیعه‌شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۲/۸ ص.

این کتاب در اصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده در رشته تاریخ دانشگاه امام صادق(ع) بوده که با تغییراتی منتشر شده است. عنوان رساله «تاریخ تشیع کاشان تا ظهور صفویه» است که به راهنمایی و مشاوره آقایان دکتر الویری و دکتر احمد پاکتچی انجام گرفته است.

موضوع تشیع کاشان به دلیل قدمت و اهمیت تشیع این شهر، موضوعی قابل توجه است. نویسنده در مقدمه بیان می‌کند: درباره این موضوع جز یک مقاله از استاد جعفریان که به کلیاتی درباره این موضوع می‌پردازد، نوشته یا کتاب دیگری وجود ندارد. آثار دیگری هم که بخشی از آن به مباحث مربوط پرداخته، مورد نقد کتاب حاضر است.

کتاب سه فصل دارد: کلیات تحقیق، ورود تشیع به کاشان و گسترش تشیع در کاشان. نویسنده در فصل نخست علاوه بر معرفی و نقد منابع، اعم از منابع کهن و مطالعات جدید، دو موضوع را بررسی کرده است: یکی بحث تشابه نام کاشان با کاشان ماوراءالنهر که شهری کهن بوده و از بین رفته است، ولی از آن هم با نام‌های کاسان و کاشان یاد شده و برخی عالمان دو خطه یا برخی گزارش‌ها به یکدیگر خلط شده‌اند؛ همچنین تصحیف و اشتباهی که در نام‌هایی چون فاشان و باشان رخ داده و نام این دو محل را با نام کاشان خلط کرده است.

در فصل دوم چارچوبه‌ای جهت بحث ارائه شده که برگرفته از مباحث

جامعه‌شناسی است و مؤلف خواسته است ورود تشیع به کاشان را با توجه به یکی از عوامل جامعه‌شناختی بررسی کند. وی معتقد است: نه عامل سیاسی و نظامی، نه اقتصاد و جمعیت و نه چهره‌های تأثیرگذار در ورود مذهب به این شهر دخالت نداشته است، بلکه عاملی که قابل توجه است، محیط و جغرافیا و همچنین علم و فرهنگ است. مؤلف، ذیل عامل سیاسی و نظامی، از اولین کسانی که هنگام فتح کاشان پس از اسلام به این منطقه وارد شده‌اند، سخن گفته و چنین نتیجه گرفته است که این افراد هرچند برخی به اهل بیت علاقه مند بوده‌اند، حضورشان به گونه‌ای نبوده که مذهب تشیع را همراه داشته باشد؛ چنان‌که قیام یا رویداد نظامی مهمی هم در این نقطه اتفاق نیفتاده است. نویسنده ذیل عامل رهبری یا چهره‌های تأثیرگذار به افرادی چون فیروز ابولؤلؤ، امامزادگان و علویان، زبیده همسر هارون، موسی مبرقع و داعیان اسماعیلی اشاره کرده و با بررسی هر یک چنین نتیجه گرفته است که اینان نیز عامل ورود تشیع به این شهر نبوده‌اند. مؤلف بر این باور است و این فرضیه را پی گرفته که ورود محدثان و بزرگان مذهب امامیه از حدود قرن سوم به کاشان، باعث نضج گرفتن این مذهب شده که این هم وابسته به شهر شیعه‌نشین قم، یعنی در واقع متأثر از عامل منطقه‌ای و جغرافیایی است؛ در این میان مهم‌ترین شخصیت علی بن محمد بن شیر کاشانی است که روایات این محدث و عالم در کتب اربعه موجود است.

فصل سوم کتاب به چگونگی گسترش تشیع در کاشان پرداخته است، ولی به این نکته توجه داده که در سده‌های چهارم و پنجم چندان از تشیع کاشان یا حضور افراد مشهور در منابع سخنی به میان نیامده است، اما در

قرن ششم و هفتم هجری شخصیت‌های معروف سیاسی و فرهنگی از این خطه برخاسته‌اند که از آن جمله خاندان راوندی و خاندان فضل بن محمود کاشانی است. راوندی‌ها که دو خاندان مشهور ابوالرضا و قطب‌الدین هستند، منشأ آثاری در شیعه امامیه بوده‌اند و حضور سید ابوالرضا در کاشان و آرامگاه وی در این شهر، تأثیر بسیاری در روند گسترش تشیع این شهر داشته است؛ همچنین خاندان‌های علمی همچون عبدالجبار طوسی و قاضیان و محدثانی که در منابعی چون فهرست منتجب‌الدین از آنان نام برده شده، در گسترش تشیع این شهر مؤثر بوده‌اند؛ اما شخصیت‌های سیاسی این دوره عبارتند از: انوشیروان بن خالد وزیر سلجوقیان و عباسیان و نزدیک به ده نفر از خاندان فضل بن محمود که در جایگاه وزارت یا غیر آن، از لحاظ سیاسی پشتوانه محکمی برای شیعیان این شهر به شمار می‌رفته‌اند. مؤلف در پایان کتاب به آثار عالمان شیعه مذهب اشاره کرده، همچنین بحثی درباره حمله سلجوقیان به این منطقه ارائه کرده است.

این کتاب موضوع تاریخ تشیع کاشان تا پایان سده ششم هجری را دربر گرفته و با آنکه در رساله مؤلف تا قرن نهم و ظهور صفویه را شامل می‌شده است. در این کتاب از سه قرن بعدی سخن گفته نشده است. مؤلف امیدوار است در فرصتی دیگر با تکمیل آن مباحث، کتاب را کامل نماید.

مجموعه‌ها

سندیات (مجموعه مقالات درباره اسناد

تاریخی)

حسین مدرسی طباطبائی، مؤسسه انتشاراتی زاگرس، نیوجرسی - ایالات متحده، ۲۰۰۸ م - ۱۳۸۷ ش، مجموعه آثار قدیم - ۳، ۴۴۰ ص.

این کتاب سومین اثر از تحقیقات گذشته استاد دکتر حسین مدرّسی طباطبائی است که انتشارات زاگرس در ایالات متحده (محلّ تدریس استناد مدرّسی) به گردآوری و انتشار مجدد آنها به صورت حاضر اقدام کرده است. دو اثر پیشین، یکی ذیل نشة المصدور از ابوالرّجاء قمی و دیگری قمیّات نام داشت که در نشریه «نگارشی میراث» معرفی شد.

مؤلف این مجموعه به واقع مشهورتر از آن است که نیاز به معرفی داشته باشد و جامعه کتابخوان ایران اغلب آثاری از ایشان را مطالعه کرده اند. در اینجا به همین بسنده می شود که یکی از علائق مهم صاحب این مجموعه، جستجو در اسناد تاریخی حوزه مناطق شیعی نشین ایران است که دو اثر برگگی از تاریخ قزوین و قم نامه و نیز چندین مقاله که در مجلات و مجموعه ها چاپ کرده اند، حاصل این جستجو است.

از ویژگی های مهم استاد مدرّسی در پژوهش به حوصله بسیار ایشان در مراجعه به منابع پرشمار، منبع شناسی بی نظیر ایشان که خواننده را شگفت زده می کند و نیز نکته سنجی، تحلیل معقول و منطقی و تبخّر استادانه در قرأت انواع خطوط بدخوان دستنویس ها و اسناد بایست اشاره کرد. وی در پیشگفتار چند سطری این مجموعه متذکر این مطلب شده که کتاب حاضر مشتمل بر بخشی از آن چیزی است که در سال های ۱۳۵۱ - ۱۳۵۷ در موضوع اسناد تاریخی نگاشته اند و سپس افزوده اند: «مقالات دیگری هم در این روال (مانند دو مقاله «چهار فرمان» مندرج در فرهنگ ایران زمین، ۱۹ [۱۳۵۲]، ص ۱۱۸ - ۱۳۵ و «یک سند از قرن دهم» در وحید، ۱۱ [۱۳۵۲]، ص ۹۹۱ - ۹۹۶) بود که چون پیشترها در کتاب هایی دیگر از این حقیر درج یا تجدید چاپ شده بود از این

مجموعه کنار گذارده شد». اما فهرست محتویات این مجموعه ارزشمند و شماره صفحات آغاز هر مقاله:

فرمانی از شاهرخ: ص ۱۷ و قفنامه ای از ترکمانان قراقویونلو: ص ۱۳۱ هفت فرمان دیگر از پادشاهان ترکمان: ص ۱۵۳ فتحنامه های اوزون حسن: ص ۱۹۳ چند فرمان و سند دیوانی دیگر از ترکمانان: ص ۱۴۵ پنج فرمان صفوی درباره آستان قدس و مشهد مقدس رضوی: ص ۲۲۷ ده فرمان مربوط به مشهد و آستان قدس رضوی: ص ۲۴۳ چند سند دیگر از آستان قدس رضوی: ص ۲۸۳ چند سند تاریخی مربوط به اصفهان: ص ۳۲۱ اسناد و احکامی از خاندان افشار ارومی: ص ۳۴۷ جمال الدین در نجف اشرف بر اساس اسناد امین الضرب: ص ۴۰۳ متفرقات: ص ۴۱۳. در پایان نیز از صفحه ۴۳۳ - ۴۴۰ «فهرست نام ها» دیده می شود.

مقالات این مجموعه که با تصاویر اسناد آنها همراه است، پیش از این در مجلات و مجموعه های داخلی و خارجی در دهه های پنجاه و شصت شمسی منتشر شده بود. اما کتاب حاضر تفاوتی با صورت پیشین برخی مقالات دارد و آن استدراک هایی است که مؤلف بر برخی موارد زده است. همچنین قسمت پایانی این مجموعه نیز چنین حالتی دارد. یعنی ملاحظات استاد است بر چند مقاله که قبلاً در مجموعه «اسناد و مدارک تاریخی» در لندن به سال ۱۳۶۰ منتشر شده بود.

◊ فهرست نسخه های عکسی کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره) ابوالفضل حافظیان بابل، زیر نظر سید محمود مرعشی نجفی، چاپ اول، کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره) - گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی، قم، ۱۳۸۷ ش /

۱۴۲۹ ق / ۲۰۰۸ م.

ضرورت وجود مراکز در کشور که به گردآوری تصویر نسخه های خطی، این میراث فرهنگی و نتیجه تلاش های علمی دانشوران ایرانی و مسلمان پردازد از قدیم الایام احساس می شده است (در حال حاضر به جز کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و بخش میکرو فیلم ها و عکسی های کتابخانه مرعشی به فعالیت های ارزنده مرکز احیاء میراث اسلامی قم در حوزه عکس برداری از کتابخانه های اسلامی با تأکید بر گردآوری آثار شیعی و نیز کتابخانه دائرة المعارف بزرگ اسلامی با تأکید بر گردآوری مرجع و دانشنامه ای می توان اشاره کرد. بی تردید در حوزه های مختلف علوم اسلامی از ادبیات و تاریخ و شاخه های علوم انسانی گرفته تا علوم محض، طبیعی و غیره تأسیس چنین گنجینه هایی ضروری می نماید.) از تلاشگران این حوزه در سالیان دور می توان به این بزرگان اشاره کرد: مرحوم محمد قزوینی، نخستین کسی که تصویر تعداد اندکی نسخه بسیار نفیس را برای وزارت معارف ایران در اوایل قرن حاضر تهیه کرد؛ مرحوم مجتبی مینوی، رایزن فرهنگی ایران در ترکیه سالیان دهه پنجاه که با تهیه میکرو فیلم صدها نسخه نفیس برای ایران کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران را به مخزنی از نفایس آثار ایران شناسی تبدیل نمود؛ استاد ایرج افشار و مرحوم محمد تقی دانش پژوه که با تهیه تصاویر میکرو فیلم های کتابخانه های غربی بر غنای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران افزودند؛ مرحوم احمد علی رجائی بخارائی که تصویر تعدادی از نسخه های غربی را برای دانشگاه مشهد فراهم آورد. استاد دکتر سید محمود مرعشی نجفی نیز در حوزه کتاب خطی از حدود چهار دهه

قبل از جانب پدر بزرگوارشان مرجع عالیقدر شیعه، حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی در کنار گردآوری نسخه های خطی سرگردان کشور در مخزنی امن که بعدها بر عموم وقف شد، به تهیه تصویر نسخه های خطی دیگر کتابخانه های داخلی و خارجی همت گماشتند و در این راه با دشواری های فراوان به کتابخانه های غربی و دیگر ممالک اسلامی دسترسی یافتند. بی شک بیان جزئیات دشواری تهیه این تصاویر خود مجالی می طلبد که از متولی کتابخانه می توان آن را جو یا شد.

این تصویرها یا به تعبیری دیگر «نسخه های عکسی» به تدریج رو به افزونی گذاشت و به فهرستی نیاز پیدا کرد. درباره پیشینه فهرست نگاری آنها نگارنده فاضل این اثر، خود در مقدمه پنج صفحه ای کتاب، چنین نوشته: «کار فهرست نگاری تفصیلی نسخه های عکسی از سال ۱۳۶۹ ش شروع شده و در بین سال های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ ش دو جلد از فهرست نسخه های عکسی کتابخانه به قلم دانشمند فقیه مرحوم حجة الاسلام المسلمین محمد علی حائری خرم آبادی منتشر گشت. در این دو جلد، تعداد یک هزار نسخه از نسخه های عکسی کتابخانه به شیوه ای فنی و عالمانه معرفی شده اند. اما مرحوم حائری پس از انتشار فهرست مذکور کار تحقیق و تصحیح کتاب گرانسنگ مرآت الکتب را وجه همت خود قرار داد و پس از انتشار پنج جلد از آن در مهر ماه ۱۳۸۱ ش داعی حق را لبیک گفت ...».

پس از فهرست شدن هزار نسخه مزبور متولی دانشور کتابخانه ادامه کار را بر عهده فهرست نگار بسیار دان و دقیق النظر آقای ابوالفضل حافظیان بابلی نهاد. ایشان با حدود چهار هزار عکس چاپ

(پرینت) شده بر روی کاغذ مواجه بود (این البته آمار فعلی کتابخانه است که با پرینت گرفتن از صدها لوح فشرده (سی دی) و میکرو فیلم دیگر که در کتابخانه محفوظ است، این آمار روزافزون نشان می دهد). که هر کدام بین دو لت (دقة) صحافی شده و بعضاً شامل بیش از یک رساله یا کتاب بود. کاری آغاز شد که بخشی از محصول آن را به صورت مقاله، اغلب در فصلنامه تخصصی «میراث شهاب» (وابسته به کتابخانه مرعشی) طی چند سال اخیر شاهد بوده ایم، ولی بنا نبود به مقالات مختصر اکتفا شود، بلکه آن مقالات نمونه ای بود گواه بر فعالیت کتابخانه در حوزه اطلاع رسانی بروز. محصول تلاش های فهرست نگار نامبرده سه مجلد فهرست است برای حدود هزار نسخه عکسی که اکنون نخستین مجلد آن منتشر و روانه بازار شده است. در این مجلد نسخه های عکسی شماره ۱۰۰۱ - ۱۳۰۰ معرفی شده که برخی از آنها بیش از یک رساله یا کتاب را در خود جای داده و حتی نمونه های چند ده رساله ای هم در آن یافت می شود. پیش از این، تجربه هایی که می توانم از فهرست نگاری «تصویر» نسخه های خطی در ایران سراغ دهم محدود می شد به فهرست میکرو فیلم های دانشگاه تهران در سه جلد و فهرست عکسی های مرکز احیاء در هفت جلد و اگر اشتباه نکرده باشم، هدف نهایی در تهیه فهرست های نامبرده اطلاع رسانی سریع بوده است و نه بررسی جزء به جزء نسخه های عکسی، آن چنان که در فهرست حاضر شاهد آن هستیم. فهرست جلد سوم نسخه های عکسی کتابخانه مرعشی در نهایت حوصله، تیزبینی و دقت نظر تهیه شده و در مورد هر کتاب ارزنده ترین اطلاعات را عرضه می کند. از نام (یا احتمالاً نام های) کتاب پارساله،

ضبط درست نام مؤلف و روزگار زندگی اش، چاپ شده بودن اثر، معرفی نسخه های دیگر آن، بیان مختصری از احوال و آثار مؤلف (در حدی که به شناخت اثر کمک کند) و منابع این دانسته ها گرفته تا اطلاعات دقیق نسخه شناسی - که در این مورد فهرست نگار با دسترسی نداشتن به اصل دستنویس با امری خطیر و ظریف مواجه بوده است - همه و همه در این فهرست بسیار بجای و مفید آمده است. کار به حدی دقیق و با حوصله انجام شده و در مواردی تا آنجا به منابع متعدد رجوع شده است که می توان برخی مدخل ها را مقالات و تک نگاری هایی ارزشمند درباره اثری خاص قلمداد کرد. همچنین در هر مورد به محل اصلی نگهداری نسخه (در صورت مشخص بودن) در پایان معرفی نامه ها اشاره شده است. ولی با این همه از آنجا که برخی نسخه ها در کتابخانه های شخصی نگهداری می شده و مهر و نشانه ای از محل نگهداری بر روی خود نداشته اند فهرست نگار این بخش را مسکوت گذارده است. این فهرست را دو نوع نمایه (فهرست نام کتاب ها و فهرست پدیدآوران) تکمیل کرده که مراجعه بدان را آسان نموده است.

هر گونه توضیح بیشتر در این باره را موکول می کنم به مراجعه خوانندگان علاقه مند به فهرست مزبور و منتظر انتشار مجلدات چهارم و پنجم این فهرست هستیم، با این امید که در پایان جلد پنجم نمونه تصاویر نسخه های عکسی (چنان که در مجله «میراث شهاب» وجود داشت) نیز بیاید.

